

مشخصه اختلالات یادگیری در کودک یا نوجوان عدم پیشرفت تحصیلی در زمینه خواندن، بیان نوشتاری یا ریاضیات در مقایسه با توانایی هوشی کلی کودک است. برای کودکان دچار اختلالات یادگیری اغلب دشوار است پایه پای همسالانشان در برخی موضوعات تحصیلی پیش روند، اما در سایر موضوعات و مواد درسی عملکرد خوبی دارند. اختلالات یادگیری سبب می شوند پیشرفت کودک کمتر از حد مورد انتظار بر اساس توان بالقوه و فرصت های آموزشی باشد. وقتی در کنار سنجش توانایی هوشی از یک آزمون پیشرفت تحصیلی استفاده می شود، این ارزیابی روان آموزشی می تواند مشکلات یادگیری را شناسایی کند. مشکلات یادگیری در کودک یا نوجوان که به این شکل شناسایی شده اند می توانند استحقاق فرد برای برخورداری از خدمات آموزش درون نظام مدرسه عمومی را اثبات نمایند.

اختلالات یادگیری حداقل ۵ درصد کودکان سنین مدرسه را مبتلا می کنند. این میزان حدود نیمی از کل کودکان مدارس عمومی است که در ایالات متحده خدمات آموزشی استثنایی دریافت می کنند. در سال ۱۹۷۵، قانون عمومی ۹۴-۱۴۲، یعنی "قانون آموزش کلیه کودکان معلول"، کلیه ایالتها را ملزم ساخت که خدمات آموزش رایگان و مناسب را برای تمامی کودکان فراهم کنند. از آن زمان تا کنون، تعداد موارد شناسایی شده اختلالات یادگیری در کودکان افزایش یافته است و انواع مختلفی از تعاریف ناتوانی های یادگیری ارائه شده است. کلیه تشخیصهای اختلال یادگیری مستلزم آن است که پیشرفت کودک در یک زمینه یادگیری خاص به مراتب کمتر از حد مورد انتظار باشد و مشکلات یادگیری مانع از پیشرفت تحصیلی یا فعالیتهای زندگی روزمره شود.

متن بازنگری شده DSM-IV (DSM-IV-TR) در فصل اختلالات یادگیری ۴ طبقه تشخیصی را گنجانده است: اختلال خواندن، اختلال ریاضیات، اختلال بیان نوشتاری و اختلال یادگیری نامعین (NOS). برای مثال کودکان دچار یک اختلال یادگیری نظیر اختلال خواندن را می توان از دو طریق متفاوت شناسایی نمود: (۱) کودکانی که در مقایسه با اکثر کودکان هم سن خود در خواندن ضعیف هستند و (۲) کودکانی که پیشرفت آنها در خواندن به نحو چشمگیری کمتر از میزان مورد انتظار بر حسب IQ کلی آنها است. ملاکهای DSM-IV-TR برای اختلالات یادگیری مستلزم آن است که بین میزان پیشرفت و IQ آنها تفاوت چشمگیری وجود داشته باشد و پیشرفت فرد در زمینه خواندن در مقایسه با اکثر کودکان هم سن وی به میزان چشمگیری ضعیف باشد. مطالعات پژوهشی سؤالاتی را در زمینه گنجاندن تفاوت پیشرفت و IQ در تعریف اختلال مطرح کرده است، زیرا داده های موجود حاکی است که مثلاً اکثر کودکان دچار اختلال خواندن صرف نظر از میزان IQ، نقایص مشابهی در زمینه مهارتهای پردازش آواشناختی دارند. به عبارت دیگر اکثر این کودکان در بازشناسی کلمه و در مفهوم کلمات مشکل دارند زیرا نمی توانند واج ها را شناسایی کرده و به کار ببرند (واج بخشی از کلمه است که با اصوات خاصی همراه است).

اختلالات یادگیری اغلب سبب می شوند موفقیت در تحصیل برای کودک عذاب آور شود و در برخی موارد منجر به دلسردی، عزت نفس پایین، سرخوردگی مزمن و روابط ضعیف با همسالان می شوند. اختلالات یادگیری به میزانی بیش از حد متوسط با خطر انواع اختلالات همزمان از جمله اختلالات کم توجهی / بیش فعالی (ADHD)، اختلالات ارتباط، اختلالات سلوک (conduct disorder) و اختلالات افسردگی همراهند. در نوجوانان دچار اختلالات یادگیری میزان ترک تحصیل ۱/۵ برابر است و به ۴۰ درصد بالغ می شود. بزرگسالان دچار اختلالات یادگیری در معرض مشکلات مربوط

به اشتغال و سازگار اجتماعی هستند. اختلالات یادگیری ممکن است با سایر اختلالات رشد، اختلال افسردگی اساسی و اختلال افسرده خویی (دیس تایمی) همراه باشند.

استعداد ژنتیکی، ضایعه پریناتال، اختلالات عصبی و سایر اختلالات طبی ممکن است در بروز اختلالات یادگیری نقش داشته باشند، اما بسیاری از کودکان و نوجوانان دچار اختلالات یادگیری واجد هیچ عامل خطر ساز خاصی نیستند. با این همه اختلالات یادگیری اغلب همراه با اختلالاتی نظیر مسمومیت با سرب، سندرم الکل جنینی و مواجهه داخل رحم با داروها دیده می شود.